

**Legislative criminal policy governing the codes of conduct with a  
perspective on the economic criminal law system**

Shahriar Elkari <sup>1</sup>  
Reza Parizad <sup>2</sup>  
Mehdi Motharnia <sup>3</sup>

Received: 11 December 2023  
Reception: 9 March 2024

**ABSTRACT**

Sociologists believe that the most important condition for the development of modern societies is the maximum presence and broad participation of citizens in various spheres of social life. Political participation is a kind of will of the people to determine their own collective destiny. It is obvious that the sign of a healthy and growing society is the maximum participation of members of society in socio-political areas, and such a society can also have appropriate growth and development in the global arena. However, given the importance of this issue, what we are facing today is the disappointment of members of society in their political and social agency and as a result, political and social passivity and indifference. Accordingly, the main question is: What are the factors and forms of political participation and political passivity and where do they come from? To answer the aforementioned question, using the descriptive-analytical method and collecting data using existing articles, documents and library resources, it has been concluded that the reasons and factors of political passivity are in psychological, political, social, economic factors such as; Social distrust, social dissatisfaction, social effectiveness, individual motivations, ethnicity, feeling of powerlessness, feeling of alienation, empathy, self-esteem, satisfaction with life, feeling of security, feeling of individualism, poverty, etc.

**Keywords:** Political passivity, political participation, development, psychological factors, economic factors.

---

1 PhD student, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran  
2Assistant Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran  
3Assistant Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2024.488895.1134>

## بررسی عوامل و اشکال مشارکت و انفعال سیاسی (مطالعه موردی ایران)

شهریار برقی<sup>۱</sup>  
 تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
 رضا پریراد<sup>۲</sup>  
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰  
 مهدی مطهرنیا<sup>۳</sup>

### چکیده

جامعه‌شناسان مهمترین شرط توسعه‌یافتگی جوامع نوین را حضور حداکثری و مشارکت وسیع شهروندان در قلمروهای گوناگون زندگی اجتماعی است. مشارکت سیاسی نوعی اراده‌ی مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خودشان است. بدیهی است که نشانه یک جامعه سالم و روبه رشد مشارکت حداکثری آحاد جامعه در عرصه‌های اجتماعی سیاسی است و چنین جامعه‌ای می‌تواند در عرصه جهانی نیز رشد و توسعه درخوری داشته باشد. اما باتوجه به اهمیت این مسئله آنچه امروزه با آن روبرو هستیم ناامیدی افراد جامعه از فاعلیت سیاسی و اجتماعی خود و در نتیجه انفعال و بی‌تفاوتی سیاسی و اجتماعی است. براین اساس سوال اصلی این است که: عوامل و اشکال مشارکت سیاسی و انفعال سیاسی چیست و از کجا ناشی می‌شوند؟ برای پاسخ به سوال مذکور، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها با بهره‌گیری از مقالات، اسناد و منابع کتابخانه‌ای موجود این نتیجه حاصل شده است که دلایل و عوامل انفعال سیاسی در عواملی روانشناختی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی چون؛ بی‌اعتمادی اجتماعی، نارضایتی اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، انگیزه‌های فردی، قومیت، احساس بی‌قدرتی، احساس از خودبیگانگی، همدلی، عزت نفس، رضایت از زندگی، احساس امنیت، احساس فردگرایی، فقر و... می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** انفعال گرایی سیاسی، توسعه یافتگی، عوامل اقتصادی، عوامل روانشناختی، مشارکت سیاسی،

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران  
<sup>۲</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران  
<sup>۳</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

## مقدمه

زندگی سیاسی عرصه‌ای بااهمیت در زندگی انسان است که در اصل نمی‌توان به آن بی‌تفاوت بود. انفعال سیاسی<sup>۱</sup> پدیده‌ای چند بعدی است که باتوجه به نگاه و گرایش متفاوت افراد به سیاست، هر جامعه‌ای در مقابل انفعال و مشارکت مردمی در درجه‌ای با آن روبرو است. بنابراین جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش مشارکت شهروندان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی-سیاسی هستند تا اینگونه همبستگی و پیوندهای اجتماعی خود را محکم و از فروپاشی و تهدید به مسائل اجتماعی جلوگیری کنند. از مهمترین مشکلات سیاسی کشورها انفعال سیاسی و عدم مشارکت مردم در سیاست است. در دهه‌های اخیر با افزایش بحث مشارکت سیاسی و جلوگیری از انفعال سیاسی، هم اکنون این بحث از مهمترین مباحث در علوم سیاسی و علوم اجتماعی به شمار می‌رود. بر همین اساس یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی، گرایش انفعالی به سیاست عاملی تضعیف کننده و چه بسا تهدید یا آسیبی برای آن در نظر گرفته و کنش همگانی، عملی در مقابل بی‌تفاوتی اجتماعی-سیاسی که فضای جامعه را به سوی نوعی انفعال و پذیرندگی صرف می‌کشاند، محسوب می‌شود. مشارکت شهروندان در امور مهم سیاسی وضعیتی است که در آن فرد به دلیل رشد و آگاهی، حضور خود را با رویکردی جامعه محور، درگیر کنش‌ورزی فکری و عملی می‌کند و که دست کم می‌تواند به بهبود شرایط و شرافتمندانه‌تر کردن زندگی شهروندان کمک کند. در نقطه مقابل، عدم مشارکت اشاره به مردمی دارد که نسبت به مسائل موجود در جامعه خود بی‌تفاوت هستند.

در تحلیل نظام جمهوری اسلامی ایران که از آغاز بحران‌هایی را پشت سر گذاشته است و مراحل را پیموده تا به دهه چهارم خود برسد و از همان ابتدا خواسته است آحاد جامعه را در امور سیاسی ایران دخیل نماید. ایران بر نظامی غلبه پیدا کرد و باعث تغییر و دگرگونی جامعه شد که آن نظام متکی بر دولت استبدادی<sup>۲</sup> و دیکتاتوری بود. گذر از دولت پهلوی به دولت جمهوری اسلامی ایران تجربه‌ای بود که در ایران به وقوع پیوست. در این گذار، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، فرجام‌شناسی ایران دچار تحول عظیمی شد. تحول در این حوزه کلان طبعاً به قلمروهای خرد و مفاهیم موجود در ادبیات سیاسی ایران نیز کشیده شد. در واقع عزت و اقتداری که حکم‌مهری اسلامی برای ملت ایران به ارمغان آورده اکنون در کشاکش‌سیاست‌های انفعالی تشنگان قدرت و خائنان به بیت‌المال در معرض تهدید است. در حال حاضر توده مردم بویژه نسل جوان باید بیشتر دغدغه‌فرداهای جامعه و کشورشان را با آگاهی و مشارکت فعال سیاسی داشته باشند. در این تحقیق سعی می‌شود ابتدا عوامل و اشکال مشارکت و انفعال سیاسی و سپس علل و عوامل تاثیرگذار بر مشارکت و انفعال سیاسی در ایران بررسی شود و در نهایت راهکار گذر از انفعال سیاسی مورد شناسایی قرار گیرد. باتوجه به موارد بررسی شده در پی پاسخ به این سوال

<sup>۱</sup> Political passivity  
<sup>۲</sup> autocratic

خواهیم بود که مهمترین اشکال و عوامل مشارکت سیاسی و انفعال سیاسی چه متغیر و عواملی هستند و از کجا ناشی می‌شوند؟

#### ۱- پیشینه پژوهش

مسئله بررسی عوامل انفعال سیاسی و ارائه راهکار بسیار حائز اهمیت است، اما آنچه اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند نبود پژوهشی جامع و روشمند و فارغ از نگرش‌های ایدئولوژیک در این زمینه است. بررسی پیشینه موضوع حاکی از آن است که این موضوع به صورت جدی مورد توجه نبوده و آثار محدودی در ارتباط با آن وجود دارد که پژوهش حاضر از آن جهت که سعی کرده به صورت جامع و فارغ از نگرش ایدئولوژیک به انفعال سیاسی بویژه در ایران بپردازد، بسیار متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال مسعودنیا در پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی» (۱۳۸۰) ضمن تعریف مفهوم بی‌تفاوتی سیاسی و مشارکت سیاسی به تبیین آن از ابعاد اجتماعی، روانشناختی، اقتصاد و سیاسی پرداخته است. وی معتقد است در بعد اجتماعی به پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد و قومیت، در بعد روانشناختی به عزت نفس و احساس اثربخشی و در بعد اقتصادی به منفعت اقتصادی کنشگران موثر بوده که از جمله دلایل مشارکت یا عدم مشارکت افراد به جهت دستیابی یا عدم دستیابی به عینی یا ذهنی بودن قدرت یا منفعت اقتصادی است. همچنین محسنی تبریزی و صدقاتی فرد در پژوهشی با عنوان «بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران» (۱۳۹۰) با روش پیمایشی به این نتیجه دست یافتند که بی‌تفاوتی اجتماعی در شهروندان تهرانی با میزان بالایی از بی‌هنجاری، احساس بی‌قدرتی، نارضایتی اجتماعی، فقر، فردگرایی، استفاده از رسانه‌های بیگانه، محرومیت نسبی و التزام مدنی اندک، وضعیت تهدید کننده‌ای را به منزله معضل و بحران اجتماعی ترسیم می‌کند. از طرفی نژاد بهرام در پژوهشی با عنوان «موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران» (۱۳۸۸) به بررسی موانع مشارکت سیاسی زنان در دستیابی به مقام ارشد مدیریتی در ایران پرداخته و از طریق مصاحبه با مدیران زن ارشد در ایران به این نتیجه رسیده است که یکی از مهمترین موانع برای دستیابی زنان به مقام بالای مدیریتی خود زنان می‌باشند. پیشگاهی فرد و زهدی گهرپور در پژوهش با عنوان «بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی» (۱۳۸۹)، به این نتیجه دست یافتند که مهمترین عوامل نرخ پایین مشارکت سیاسی زنان در منطقه جغرافیایی در دست بررسی را نبود دموکراسی، عدم اعتماد به نفس در زنان، ضعف مدیریتی، احساسی عمل کردن، مردسالارانه بودن ساختار سیاسی و... در این کشورها برشمردند. و در نهایت لازارسفلد و همکارانش در کتابی با عنوان «انتخاب مردم» (۱۳۸۲) معتقدند که رفتار سیاسی و انتخاباتی و حدود مشارکت سیاسی افراد و اقشار مختلف در سطح جامعه ایالات متحده را با توجه به وضعیت اقتصادی، سیاسی، مسکونی و... پیش بینی کرد. افراد رای دهنده، پذیرندگان منفعل وضعیت اجتماعی هستند که افراد و اقشار را در آنها می‌بینند و دست به اقدام و واکنش می‌زنند.

لازم به ذکر است که تفاوت پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌ها مرتبط در این راستا در چند دسته زیر قرار می‌گیرد. ابتدا اینکه در خصوص بحث انفعال سیاسی به صورت موردی یا گاهاً به صورت ناقص بدان پرداخته شده است که در این پژوهش تمامی ابعاد مبحث انفعال سیاسی و انفعال سیاسی را مدنظر قرار دادیم. دوم اینکه در بحث عوامل و اشکال فقط به صورت جزئی به برخی موارد اشاره شده است که در برخی تحقیقات نتیجه‌گیری مفهومی و قابل قبولی به چشم نمی‌خورد و در نهایت هیچ کدام از تحقیقات پیشین عوامل و اشکال مرتبط با انفعال سیاسی در ایران را به صورت موردی که تمامی جوانب تحقیق را در بر بگیرد انجام نشده است.

## ۲- چارچوب نظری

آرنشتاین<sup>۳</sup> مشارکت را فرآیند سهیم شدن مردم در قدرت، جهت تأثیرگذاری بر رفتار دولت و نظام می‌داند. به باور وی، مشارکت توزیع مجدد قدرت است که در سطوح مختلف، اتفاق می‌افتد. فرآیند مشارکت، به‌عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی، کاهش تعارضات گروهی، از بین بردن فرهنگ حاشیه نشینی، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت‌ها، بسط ارزش‌های دموکراتیک، سهیم شدن در منابع و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری همراه است (کشتکار و حاتمی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). به طوریکه کنش اجتماعی مشارکتی بطور گسترده مستلزم دارا بودن قدرت جمعی مشترک سیاسی است. پس مشارکت واقعی شهروندان مستلزم تصویب و تضمین حقوق و مسئولیت‌ها، شرایط مناسب برای مشارکت و برآوردن انتظارات اعضای جامعه است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۳-۱۹۱). مفهوم شهروندمداری ارتباط مستقیم با مفهوم دموکراسی و توسعه دارد. بطور مثال، مشارکت شهروندان در امور شهری به این دلایل مورد توجه واقع شد:

- ۱- انطباق برنامه‌ها و عملکرد مدیریت شهری با نیازها و اولویت‌های شهروندان
- ۲- عدم توانایی دولت‌ها در تامین منابع مالی اداره و عمران شهرها
- ۳- پیچیدگی روزافزون زندگی شهری و عدم توان مدیریت در توانگری به همه آنها
- ۴- آموزش اجتماعی، توانمندسازی و استفاده از ظرفیت شهروندان در توسعه شهری

۵- عدم توان یک جانبه دولت‌ها در تحقق توسعه شهری  
یکی از شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی، این است که به دور از تفاوت‌ها در میان افراد یک کشور امکان جذب حداکثری شهروندان در امر حکمرانی و برقراری شرایطی است که همه‌ی شهروندان بتوانند در اداره‌ی کشور مشارکت حداکثری داشته باشند؛ در واقع مشارکت عمل داوطلبانه شرکت مردم در برنامه‌ها و طرح‌های سیاسی و اجتماعی است که شامل: فعالیت آزاد انتخاباتی، رای دادن،

<sup>۳</sup> Arnstein .

آزادی بیان و شرکت در تشکل‌های فعال سیاسی، نقد و ارزیابی عملکرد نهادها، مسئولان و ساختار حکومتی، تاثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاسی دولت، شرکت در گزینش و انتخابات سیاسی و اجتماعی، دخالت و مشارکت در تغییرات و اصلاحات درون ساختاری، نامزد پست‌ها و کرسی‌های سیاسی شدن، اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادها و ساختارهای نظام حکومتی و... می‌باشد (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵). به عبارتی مشارکت عمومی، به حقوق شهروندی اشاره دارد که با دخالت، همکاری و حضور داشتن مردم در مسائل اساسی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحقق می‌یابد. افراد با شرکت فعالانه به دنبال اثرگذاری بر امور جمعی به صورت ارادی و اختیاری هستند، که وقتی در حوزه‌ی سیاسی رخ می‌دهد اصطلاحاً به آن مشارکت سیاسی می‌گویند.

مشارکت سیاسی در پی فرایند اجتماعی شدن انسان‌ها و دخالت و حضور در امور سیاسی کشورها وارد ادبیات سیاسی نظیه پردازان شد و با رونق فزاینده آن، هم اکنون به یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مفاهیم در علوم سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود. که امروزه مشارکت سیاسی دارای دو تقسیم‌بندی: مشارکت مستقیم (دخالت در تعیین سرنوشت و انتخاب و نظارت بر نظام سیاسی) و مشارکت غیرمستقیم (دخالت مردم در امور سیاسی بواسطه نمایندگان منتخب خود) است. امروزه متفکران و صاحب نظران توسعه، مشارکت را از مهمترین و ضروری‌ترین ارکان توسعه در قرن بیست و یکم به شمار می‌آورند که موجب بهبود و گسترش روابط در سازمان‌ها، ایجاد جامعه مفید، نهادینه شدن مشارکت در قالب‌های مدنی آن می‌شود (جعفری‌نیا، ۱۳۹۱: ۸۹).

#### مدل مفهومی ۱: ابعاد مختلف مشارکت سیاسی



## ۳- مشارکت مردمی

مشارکت فرایند به کارگیری توانمندی‌های فردی یا گروهی برای دستیابی به یک هدف معین می‌باشد. اگر به مشارکت به مثابه یک حق بنگریم، متوجه می‌شویم که همه‌ی انسان‌ها مطابق با اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر حق دارند که در تعیین سرنوشت خود مشارکت داشته باشند. مشارکت مردمی ابتدا با حساس شدن و بعد با آگاهی و دانستن آغاز می‌شود. اگر چه مشارکت مردم در دهه‌های اخیر توسعه جهانی پیدا کرده است، اما این به معنای تعمیم گونه‌ای خاص از مشارکت و پویایی سیاسی در تمام ملت‌ها نیست. زیرا بنا به اقتضا و الزامات تاریخی، فرهنگی، سیاسی، دینی، محیطی، احساسات و تجربه زیستی که دارند، هر کدام روش ویژه‌ای را برای مشارکت و فعالیت‌های سیاسی انتخاب و الگو و شیوه‌ی خاصی را مشاهده و تجربه می‌کنند. افزایش تقاضا جهت سهیم شدن مردم در قدرت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و فعال کردن گروه‌ها و افراد بی‌تفاوت در امور کشور از جمله مواردی است که کشورها را به خود درگیر کرده است. پس بدین ترتیب مشارکت فعال مردم و تمایل آنها به حضور در عرصه‌های مختلف جامعه به حدود، راه‌ها و شیوه‌های مشارکت افراد و عناصر شرکت کننده در هر نظام سیاسی مبتنی بر شرایط خاصی چون: فرهنگی، اعتقادی، ارزشی، محیطی، تجربه زیستی و هنجارهای اجتماعی مردم و آن نظام سیاسی بستگی دارد (Andrain & Apter, 1995: 15). در واقع عوامل موثر بر مشارکت سیاسی شامل موارد ذیل می‌باشد:

- اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی
- اعتقاد به مشروعیت حکومت و خوش بینی به سیاست‌گذاری‌ها
- احساس اثربخشی سیاسی
- کسب منفعت و عزت اجتماعی
- اعتماد اجتماعی و سرمایه فرهنگی و شبکه‌های اجتماعی
- کیفیت شبکه‌های اجتماعی
- گسترش کمی و کیفی رسانه‌های جمعی و فناوری‌های ارتباطی، افزایش آگاهی سیاسی و سواد رسانه

دیدگاه‌های مختلف در زمینه مشارکت مردمی وجود دارد که صورت متنوعی از مشارکت را محقق می‌سازد. این صورت را می‌توان در هفت سطح طبقه‌بندی نمود که از بالاترین سطح آگاهی اجتماعی تا شکل بسیار ظاهری و سطحی آن عبارتند از:

۱. مشارکت خودانگیخته<sup>۴</sup>

مردم خود مبتکر پروژه بوده، جهت منابع و کمک‌های فنی با نهادهای دیگر در تماس هستند لیکن مردم، کنترل منابع پروژه را همچنان در دست خود حفظ

<sup>۴</sup>(Self mobilization)

می‌نمایند. در صورت حمایت دولت و نهادهای غیردولتی چنین پروژه‌هایی می‌توانند به اجرای کامل برسند (شاکری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۹).

#### ۲- مشارکت تعاملی (کنشی)<sup>۵</sup>

مبتکر پروژه یک نهاد خارجی است که در ارتباط با مردم محلی فعالیت مینماید. مشارکت به عنوان یک حق شهروندی تلقی نشده، تنها وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف پروژه نمی‌باشد. مردم در تحلیل مسائل، تدوین برنامه‌های اجرایی و تشکیل نهادهای اجرایی و مدیریتی مشارکت می‌نمایند، لذا مردم تاثیر زیادی بر نحوه استفاده از منابع است.

#### ۳- مشارکت عملکردی<sup>۶</sup>

مشارکت از سوی نهاد خارجی به عنوان وسیله‌ای جهت تحقق پروژه، به خصوص کاهش هزینه‌ها از طریق ارائه نیروی کار و مدیریت، رایگان تلقی می‌شود. برای مثال مردم بعد از این که تصمیمات مهم از سوی نهاد خارجی گرفته شد و اهداف پروژه مشخص می‌شوند، جهت تحقق اهداف تعیین شده، مشارکت می‌کنند. نهایتاً در چنین شیوه مشارکت، مردم در جذب اهداف مورد نیاز خارجی، از اهداف خود دست می‌کشند.

#### ۴- مشارکت بخاطر انگیزه های مادی<sup>۷</sup>

مردم تنها به واکنش نسبت به انگیزه‌های مادی، مشارکت می‌نمایند. مثلاً در مقابل عرضه کار، پول و یا غذا دریافت می‌نمایند و یا در پروژه‌های خودیاری به شرط عرضه نیروی کار و ایجاد ساختمان، زمین و خدمات دریافت می‌نمایند.

#### ۵- اطلاعات دهی و مشورت کردن<sup>۸</sup>

نظرات مردم جهت تعیین نیازها و اولویتهای مردم گرفته می‌شود. لیکن، میزان جمع‌آوری اطلاعات و کنترل تحلیل‌ها بوسیله‌ی نهاد خارجی از طریق تشخیص مسئله و راه حل‌های مورد نظر معین می‌شود. هیچ قدرت تصمیم‌گیری به مردم داده نشده، بعلاوه مجریان پروژه هیچ تعهدی نسبت به تحقق اولویتهای مردم بر عهده نمی‌گیرند (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

#### ۶- مشارکت انفعالی<sup>۹</sup>

به مشارکتی گفته می‌شود که آنچه در حال رخ دادن است؛ بدون توجه به نظرات خواسته شده مردم و یا اینکه قدرتی در تغییر امور کشور داشته باشند یا بتوانند تغییر در اوضاع ایجاد نمایند.

#### ۷- صورت و فریب (ظاهر فریبانه)<sup>۱۰</sup>

تظاهر به مشارکت است که انجام می‌پذیرد. بعنوان مثال، نمایندگانی در هیأت‌های رسمی گماشته شده باشند، بدون اینکه این افراد انتخاب شده و یا قدرتی داشته باشند (گلایی و حاجیلو، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

<sup>۵</sup> Interactive Participation

<sup>۶</sup> Functional Participation

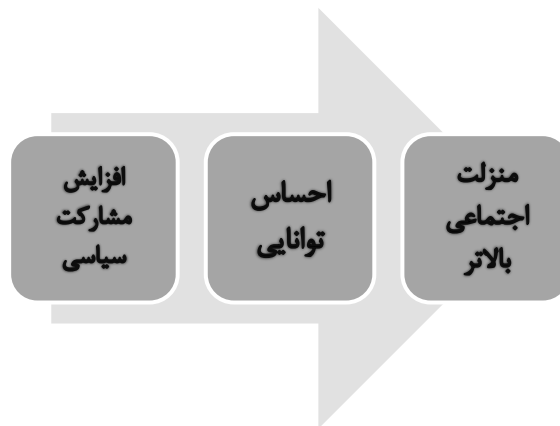
<sup>۷</sup> Participation for material Incentives

<sup>۸</sup> Consultation and Information- Giving

<sup>۹</sup> passive Participation

<sup>۱۰</sup> Manipulation and Decoration

مدل مفهوم ۲: فرایند تاثیر توسعه اقتصادی-اجتماعی بر مشارکت اجتماعی

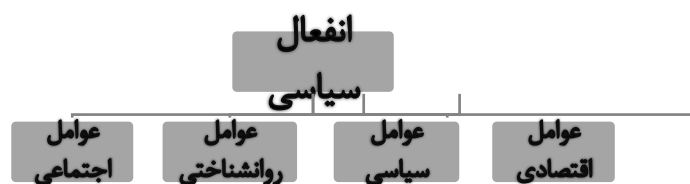


#### ۴- انفعال سیاسی

زندگی سیاسی عرصه‌ای بااهمیت در زندگی انسان است که در اصل نمی‌توان به آن بی‌تفاوت بود. نگاه و گرایش افراد به سیاست یکسان نیست. از دیدگاه برخی شهروندان سیاست از اهمیت خاصی برخوردار نیست و در مقابل، گروهی دیگر از افراد به سیاست اهمیت می‌دهند و رویدادهای این عرصه را پیگیری می‌کنند. این دو نوع واکنش، زمینه ساز طرح دو مفهوم انفعال سیاسی و مشارکت سیاسی در توصیف رفتار سیاسی افراد شده است. با توجه به اهمیت و جایگاه مشارکت سیاسی به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی، گرایش انفعالی به سیاست عاملی تضعیف کننده و چه بسا تهدید یا آسیبی برای آن در نظر گرفته می‌شود. در جهان کنونی، چه در جوامع دموکراتیک و پسا صنعتی مدرن و چه در جوامع اقتدارگرای در حال گذار، نظام‌های سیاسی با دشواری و چه بسا بحران مشارکت شهروندان روبرو هستند (امینی و خسروی، ۱۳۸۷: ۱۴۹-۱۵۳). در جوامع توسعه یافته و دموکراتیک، نسل جدید چندان رغبتی به مشارکت سیاسی در چارچوب سبک‌های سنتی همچون شرکت در انتخابات و عضویت در احزاب سیاسی نشان نمی‌دهد. در جوامع در حال توسعه نیز سرخوردگی از روندهای رایج و ناامیدی از تغییر، بی‌تفاوتی و انفعال سیاسی را در این نسل در پی داشته است.

انفعال سیاسی در نقطه مقابل مشارکت سیاسی قرار دارد؛ به عبارتی شهروندان از راه آن در پی تاثیرگذاری بر تصمیم سازی سیاسی یا حمایت از حکومت برمی‌آید. یعنی افراد در قبال همه امور مربوط به سیاست، از جمله بحث‌های سیاسی، کسب اطلاع از رویدادهای سیاسی و مشارکت در آنها و اقدامات سیاسی برای تأثیرگذاری در تصمیم‌های سیاسی کشور دچار بی‌تفاوتی، بی‌عملی، بی‌علاقگی و انفعال باشد (Bratton & Alderfer, 1999: 31). در این بخش به بررسی عوامل انفعال‌گرایی سیاسی می‌پردازیم و بعد لازم است سطوح مختلف مشارکت مردم را مطرح نماییم.

#### مدل مفهومی ۳: عوامل انفعال سیاسی



#### ۴-۱. عوامل سیاسی

بی‌تفاوتی سیاسی، نوعی بی‌میلی در رابطه با مشارکت و درگیری فعال در فرایندهای سیاسی به کار می‌رود. از جمله این فرایندهای سیاسی میتوان به بی‌تمایلی شهروندان جهت شرکت در انتخابات، رأی دادن به کاندیدها، بی‌اعتنایی به جریان‌ات و اتفاقات سیاسی روز، بی‌اعتنایی به آینده سیاسی کشور و عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی یک جامعه اشاره کرد. بی‌تفاوتی سیاسی نوعی تنفر سیاسی و احساس بی‌قدرتی را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد و از علت‌های آن می‌توان به قومیت و خرده‌گروه‌های موجود در یک جامعه نسبت داد (هاشمی، ۱۳۷۵: ۱۱۰).

#### الف) فرهنگ دولنگرا و عدم مشارکت سیاسی

از آنجا که فرهنگ از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر کنش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان می‌باشد، رفتارهای سیاسی را نیز از خود متأثر می‌سازد که الوهای جهت‌گیری نسبت به قانون اساسی، احزاب و حکومت‌ها را ایجاد می‌کند (قوام، ۱۳۷۹: ۸۱). بنابراین هنگامی که از مفهوم فرهنگ در حوزه‌ی سیاست بهره می‌گیریم با اصطلاح فرهنگ سیاسی روبرو می‌گردیم که دارای دو هزار سال قدمت است که به معنی: «به عنوان بخشی از فرهنگ اجتماعی، مجموعه‌ای از نگرش‌ها و جهت‌گیری اعضای یک جامعه نسبت به نظام سیاسی، نخبگان سیاسی و قدرت‌های سیاسی است». فرهنگ سیاسی محصول تاریخ جمعی یک نظام سیاسی و به عنوان نماد یکپارچگی حیات اجتماعی تلقی می‌شود که در طول حیات سیاسی و اجتماعی یک جامعه و تحت تأثیر عوامل مختلفی چون وضعیت اقلیمی و جغرافیایی، ساختار نظام سیاسی و اجتماعی، شرایط تاریخی، نظام اعتقادیف آداب رسوم، نظام اقتصادی و... شکل می‌گیرد (صبوری، ۱۳۷۴: ۶۵). و در یک فرایند مستمر جامعه پذیرای سیاسی نهادینه می‌شود و به نسل‌های دیگر انتقال می‌یابد. بنابراین از آنجا که محیط نظام دارای ماهیتی ارزشی می‌باشد، لذا فرهنگ سیاسی موجب تعیین و هدایت جهت‌گیری‌های مردم نسبت به نمادها، ساختارها و عملکرد سیاسی است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۳). بر همین مبنا اگر جایگاه دولت به معنای مجموعه‌ای از افراد و نهادها که قوانین فائقه در یک

جامعه را وضع می‌کند در نظر بگیریم و آن را در فرهنگ سیاسی مختلف مورد بررسی قرار دهیم متوجه خواهیم شد که در ارتباط با وظایف دولت دو رویکرد فرهنگی فردگرا (حمایت از حقوق فرد در برابر دولت) و جامعه‌گرا (تکیه بر دولت‌گرایی است) وجود دارد (صیاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷).

### ب) علل بی‌حسی سیاسی مردم

#### - بحران در وکالت

ماهیت دموکراسی عوض شده است. در ابتدای کار، دموکراسی وسیله‌ای برای شرکت مردم از راه تعیین نمایندگان خود در امور عمومی بود. اما امروزه دموکراسی وسیله‌ای برای نمایندگان در جهت مشروعیت بخشیدن به قدرت فردی از طریق آرای مردم شده است (پالیزان، ۱۳۹۰: ۴۰-۳۹).

#### - اعشاری شدن رأی

وجود جماعت عظیم رأی دهنده احساس بیهودگی رأی دادن را زیاد می‌کند. وقتی که در انتخابات تعداد بسیار زیادی رأی دهنده شرکت می‌کنند. برای یک فرد این احتمال که رأی او اهمیت قاطع داشته باشد، احتمال اعشاری است. خصوصا موقعی که برنامه سیاسی نامزدها کم و بیش به یکدیگر شباهت دارد. این حس فرد در جهان توده مردم، عامل نیرومندی است در نومید کردن رأی دهنده، حتی کسانی که رأی می‌دهند بسیار خوب می‌دانند که از لحاظ آماری برای آنها کوچکترین امکانی وجود ندارد که روی حوادث آینده تأثیری واقعی بگذارند (Boudon, 2003: 110).

#### - مسأله ثروت در دموکراسی

در دموکراسی لیبرال پول جز توشه مقدماتی هر نامزد انتخاباتی است. نامزدها بدون تکیه گاه و امکانات مالی نمی‌توانند انتخاب شوند و چون تبلیغات انتخاباتی هزینه دارد میزان کمک‌های مالی زیاد می‌شود. اینگونه اعانات مالی انتخاباتی بدون چشم داشت انجام نمی‌گیرد بدین ترتیب ثروت قدرت را در اختیار می‌گیرد. در عصر جهانی‌سازی لیبرالی، بازار ابزار تمام و کمال تنها ضرورت تعیین قدرت اقتصادی و مالی است و این قدرت مطلقا دموکراتیک نیست، چراکه از جانب مردم انتخاب نشده، توسط مردم اداره نمی‌شود و بویژه هدف آن سعادت مردم نیست.

#### - شکل‌دهی به افکار عمومی

انتخابات در حکم شمارش عقاید و آراء است و از راه افکار عمومی شناخته می‌شود. برخی از مردم عقاید و افکار خاصی ندارند و اندیشه‌های مبهم و متناقض دارند که مبنای آن به تبع بروز حوادث و اثر تبلیغات و قرار گرفتن در محیط فکری خاص تغییر می‌پذیرد. نکته مهم در این زمینه جهت‌گیری اخبار و اطلاعات است. با در نظر گرفتن رسانه‌های گروهی اهمیت خاص پیدا می‌کند. همین رسانه‌ها هستند که عقاید و افکار رأی دهندگان را قالب‌گیری می‌کنند و

می‌سازند. رسانه‌ها با توسل به دستکاری عقاید مردم و جوسازی‌های تبلیغاتی افکار عمومی را به سمت و سوی خاصی جهت می‌دهند.

### ج) امید سیاسی و انفعال گرایی

امید اجتماعی یعنی انتظار مثبت افراد از آینده، در نتیجه باور به وجود ظرفیت‌های مطلوب پیشرفت در جامعه است که باور به نبود آن یأس و ناامیدی را به دنبال خواهد داشت. مطابق با تعریف امید اجتماعی بر اساس دیدگاه آرجون آپادورای<sup>۱۱</sup>، چنانچه تمرکز ظرفیت‌های آرزومندی در ارتباط با بخش سیاسی جامعه باشد، می‌توان به مفهومی با عنوان امید سیاسی رسید. در واقع، هر جامعه از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است، مانند بخش سیاسی که تجلی آن در دستگاه سیاسی حاکم بر جامعه است (نش<sup>۱۲</sup>، ۱۳۹۴: ۷۱). از این رو بر اساس تعریف امید اجتماعی چنانچه تمرکز بر وجود ظرفیت‌های مطلوب پیشرفت در بخش سیاسی جامعه باشد، خوش‌بینی به آینده جنبه‌ای سیاسی می‌یابد. در بیان ظرفیت‌های مطلوب این بخش بر اساس اجزای بیان شده آن عبارات زیر بیان می‌شود:

- **حاکمیت مشروع:** نظام سیاسی حاکم علاوه قانونمندی، هنجارمندی و... که نوع و شیوه اعمال حاکمیت آن مورد تأیید و رضایت مردم باشد. به تعبیر وبر علاوه بر قدرت اقتدار هم داشته باشد (Almond, G & Verba, 1975: 36).
- **توانمند سازی سیاسی:** رسمیت یافتن کنشگری‌های مؤثر سیاسی و اجتماعی برای همه افراد جامعه به گونه‌ای برابر باشد.
- **سیاست گذاری‌های مثبت:** سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی بر جریان پیشرفت و بهبود وضعیت ملت و کشور مؤثر باشد.
- **حقوق شهروندی:** برخورداری اعضای جامعه از حقوق مدنی و سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... که تحقق آن در درجه اول بر عهده نظام سیاسی حاکم است (رفعت‌جاه و رحیمی، ۱۳۹۴: ۷۷-۷۹).
- **نهادها و سازمان‌های سیاسی کارا:** این نهادها و سازمان‌ها وظیفه اداره امور در بخش‌های مختلف جامعه را بر عهده دارند و عملکرد مطلوب آنها مهمترین شاخص کارایی آن است (جهانگیری و محمدی، ۱۳۹۷: ۴۹).

### ۲-۴. عوامل اجتماعی

دورکیم<sup>۱۳</sup> رفتارهایی چون: مشارکت اجتماعی و همکاری و... به جامعه را میزان توافق جمعی مرتبط می‌داند، هم چنین رفتارهای نابهنجاری مانند: قانون شکنی، بی‌تفاوتی، انفعال و... را متأثر از بیگانگی افراد از جامعه می‌داند (جهانگیری و محمدی، ۱۳۹۷: ۲۸)؛ بنابراین، عدم تعهد مدنی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بی‌تفاوتی در درگیری مدنی و بی‌اعتنایی به مسائل (اجتماعی، سیاسی و فرهنگی)

<sup>۱۱</sup> Arjun Appadurai

<sup>۱۲</sup> Nash

<sup>۱۳</sup> Emiel Durkheim

که در نهایت موجب ظهور جریان فردگرایی می‌شود اما در صورت مشارکت، افراد در سرنوشت خود سهیم خواهند شد (Afshar, 2000: 85).

بی‌تفاوتی اجتماعی گاهی در کنار مفاهیمی مانند بی‌تفاوتی سیاسی، اخلاقی و فرهنگی بکار می‌رود؛ با این وجود بی‌تفاوتی اجتماعی با زندگی مردم در کلانشهرها، تسلط روحیه فردگرایی، غلبه روح عینی بر روح ذهنی، انزوای اجتماعی و نهایتاً دلزدگی اجتماعی مورد ارزیابی قرار داده است. در بی‌تفاوتی اجتماعی؛ مردم در جوامع مدرن الگوی یکسانی را در وابستگی‌های گروهی خود ندارند. در این حالت ایجاد روابط اجتماعی، همزمان با وابسته شدن فرد به گروه‌ها، چندانگانه می‌شود. لذا زمینه برای ظهور فردگرایی نیز فراهم می‌شود، البته حین بروز فردگرایی نیز، بسیاری از وابستگی‌های گروهی با تضاد همراه می‌شود.

### ۳-۴. عوامل اقتصادی

با وجود اینکه کارشناسان دلایل متنوعی را برای توجیه بی‌تفاوتی سیاسی بخشی از مردم بیان می‌کنند، لیکن می‌توان براساس یکی از مهمترین دلایل بی‌تفاوتی سیاسی زنان و مردان را مشکلات و فشارهای اقتصادی عنوان کرد. براساس تئوری مازلو، نیازهای آدمی دارای سلسله مراتبی هستند که براساس آن رفتار افراد معمولاً در هر موقعیت زمانی تحت تاثیر شدیدترین نیاز قرار می‌گیرد. اما هنگامی که آن نیاز برطرف نشود دیگر محرک رفتار نخواهد بود، بلکه انگیزه و محرک رفتار تغییر می‌کند و به جای نیاز قبلی نیازهای مرتبه بالاتر اهمیت یافته و محرک رفتار خواهد شد. نیازها به همین ترتیب تا پایان سلسله مراتب نیازها اوج گرفته و پس از آن فروکش کرده و نوبت خود را به دیگری می‌سپارند (Lipset, S.m, 1959: 110).

کرامر<sup>۱۴</sup> شاید اولین کسی باشد که فرضیه تاثیر شرایط اقتصاد بر روی تایید انتخابات را آزمون کرده است. تحقیقات نشان می‌دهند اقتصاد و رفاه اقتصادی بر سیاست انتخاباتی به اندازه طبقه اجتماعی، مذهب و هویت حزبی تأثیر دارد. بین مشارکت سیاسی و رفاه و توسعه اقتصاد رابطه بالایی وجود دارد، در همین راستا وظیفه حاکمیت این است که از ثروت و امکانات موجود در جامعه با برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی به گونه‌ای بهره‌گیرد تا با بالا رفتن رفاه عمومی و افزایش سرانه درآمد مردم، باعث افزایش مشارکت مردم و مشروعیت نظام می‌شود. هرچند اقتصاد در انفعال و مشارکت سیاسی و شکل دادن به افکار عمومی نسبت به حاکمیت تأثیر به‌سزایی دارد اما عامل تعیین‌کننده در انتخابات و سایر مسائل محسوب نمی‌شوند. مثلاً نظرسنجی‌های اخیر در آمریکا گویای آن است که عوامل غیراقتصادی همچون: جرم و خشونت در جامعه، مسائل زیست‌محیطی، ناهنجاری، حقوق شهروندی و سیاست خارجی نیز برای رای دهندگان حایز اهمیت‌اند.

### ۴-۴. عوامل روانشناختی

<sup>۱۴</sup> Gabriel Cramer .

ویژگی‌های شخصیتی<sup>۱۵</sup> و روانی افراد شامل: احساسات، تمایلات، نگرش‌ها و گرایش‌ها می‌باشد که اگر علت مشارکت مردم در امور سیاسی را از بعد روانشناختی بررسی کنیم متوجه می‌شویم که عواملی همچون نیازها و اهداف شخصی، عوامل روانشناختی دخیل هستند. همه‌ی افراد بواسطه تحت تأثیر قرار گرفتن در محرک‌های محیطی یکسان، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. که این در مورد مشارکت سیاسی نیز صدق می‌کند. چراکه افراد در شرایط محیطی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یکسان، رفتار سیاسی متفاوتی از خود بروز می‌دهند. از طرفی جنسیت، وضعیت تاهل، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، سن، خانواده و... موجب ایجاد یا عدم ایجاد انگیزه و آگاهی سیاسی می‌شود که در نهایت موجب مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی در شهروندان می‌گردد. بدین ترتیب منشأ مشارکت سیاسی در نیازهای روانشناختی افراد نهفته است (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۶). در مجموع متغیر مؤثر بر رفتار افراد را در مدل تبیینی رابرت دال بر حسب قاعده هزینه فایده تحلیل کرد که بر اساس آن افراد بر حسب تفاضل هزینه و فایده دست به انتخاب می‌زنند (Lester W. Milbrath, 1979: 96).

علل بی تفاوتی روانشناختی به شرح زیر می‌باشد:

- احساس عزت نفس
- نیاز به دوست داشته شدن
- احساس کارایی و اثربخشی
- اعتماد به دیگر شهروندان
- نمادهای مدنی و حاکمیت
- مسئولیت‌پذیری
- خودگرایی فرصت طلبانه
- بی توجهی به طرح‌های مدنی و...

## ۵- مشارکت و انفعال سیاسی در ایران

رقابت و مشارکت سیاسی نیروهای اجتماعی از نشانه‌های مهم دموکراسی است که سطح فعالانه و منفعلانه آن به متغیرهای تبیین‌گر مهمی همچون: ساخت قدرت سیاسی، طرح نوسازی و توسعه یافتگی اقتصادی، اعتدال فرهنگ سیاسی، کمیت و توانمندی نیروهای اجتماعی جامعه مدنی، سطح آگاهی سیاسی و سواد رسانه‌ای و... می‌باشد. مساله مشارکت مردم در چند دهه اخیر در بسیاری از دموکراسی‌های اروپای غربی بویژه آمریکا و انگلیس مهم تلقی شده است. مشارکت فعالانه مردم مخصوصاً جوانان به متعهد و ملزم شدن حکومت‌ها به شنیدن نیاز، مشکلات و نظرات آنها و فراهم سازی فرصت‌های واقعی برای مشارکت‌های مدنی در سطح محلی و ملی و منطقه‌ای منجر خواهد شد. این

<sup>۱۵</sup> Personaity.

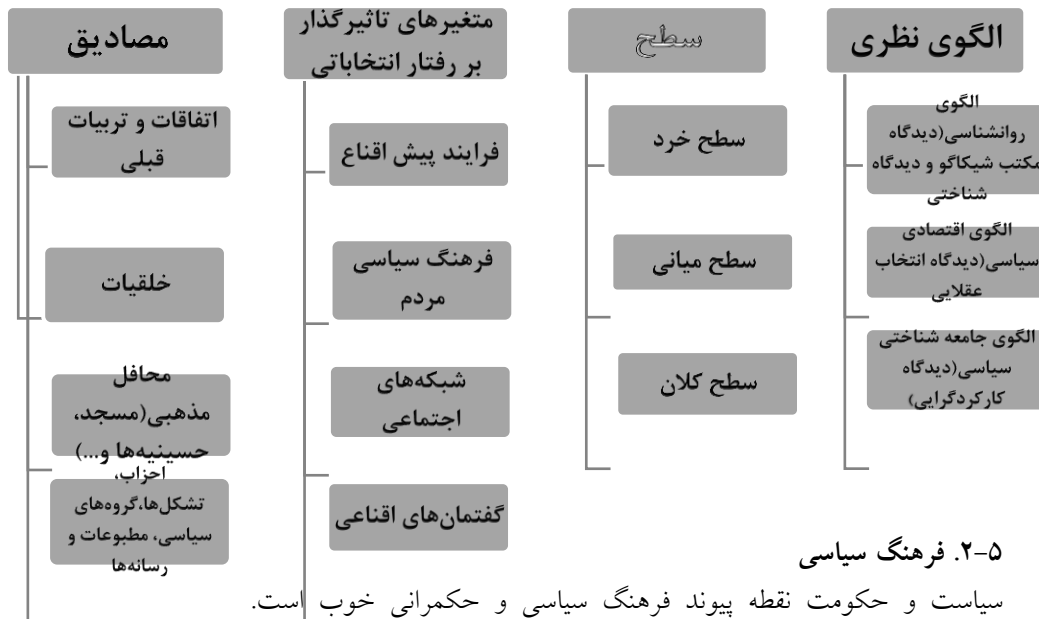
مشارکت موجب آگاهی سیاسی، استقلال، افزایش اعتماد به نفس و مهارت‌های ارتباطی و اثربخشی آنان می‌شود.

در ایران طبق قانون اساسی، مشارکت مردم عالی‌ترین جلوه حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت و آینده زندگی سیاسی و اجتماعی خود است. امروزه این مشارکت مردمی زیر سایه دموکراسی غیرمستقیم، از طریق عوامل اجتماعی موثر و واگذاری حق خود به نمایندگان منتخب مردم در مجالس قانون گذاری و بر اساس اصل تفکیک قوا اعمال می‌شود. جمهوری اسلامی نیز با پذیرش نهادهای دموکراسی باعث مشارکت مردم در امر کشور شده است. اما الزام تطبیق قانون گذاری آن با موازین شرعی و تبعیت از نظام قانون گذاری اسلام، بر حدود و نحوه اعمال آن تاثیر گذاشته و جلوه‌های ویژه و عوامل اجتماعی خاصی را مطرح کرده که تا اندازه‌ای با سایر نظام‌های قانون گذاری تفاوت دارد. از طرفی با افزایش سطح سواد، ارتباطات، تحصیلات و رسانه‌های جمعی، صنعتی شدن و شهرنشینی و افزایش درآمد موجب شده تا افراد جامعه آگاه‌تر شده و از ارزش‌ها و نگرش‌های دموکراتیک و نوین مانند؛ مسئولیت پذیری، مشارکت، شفافیت، انتقادپذیری و نظارت مدنی برخوردار شوند. بر همین اساس با پیدایش ساختارهای جدید آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی، مشارکت سیاسی و اجتماعی ضرورت می‌یابد.

#### ۱-۵. رفتار انتخاباتی

رفتار انتخاباتی نوعی کنش سیاسی است که اراده و علاقه ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خویش با کارکردهای ساختی خرده نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح کلان نظام رابطه دارد. این رفتار به علاوه در سطح خرد نظام با الگوهای رفتاری آن که تابعاراده عمومی است، ارتباط می‌یابد. بنابراین چنین رفتاری در سطح میانه نظام اجتماعی، با شرایط تکنولوژیک، بوروکراتیک، آموزشی و نمادین سازمان اجتماعی مرتبط می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۹). یکی از شاخصه‌های توسعه سیاسی، مبارزه‌ی احزاب و گروه‌ها برای کسب قدرت، به صورت عیان و از طریق انتخابات است. که جنبه‌های مختلفی از جمله نحوه تصمیم‌گیری، چگونگی کسب اطلاعات، علت شرکت در انتخابات، نوع احزاب و شخصیت و عقاید کاندیدا تأثیر آن بر نگرش انتخاباتی شهروندان در جریان انتخابات تأثیرگذار و قابل تأمل است. جمهوری اسلامی از بدو تاسیس تاکنون طبق قانون اساسی یکی از نظام‌های حکومتی دنیاست که بیشترین انتخابات را برگزار کرده که شامل: انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شورای شهر می‌باشد و بدین شکل در اداره امور کشور و تعیین زمامداران و هیئت حاکمه دخالت خواهند داشت.

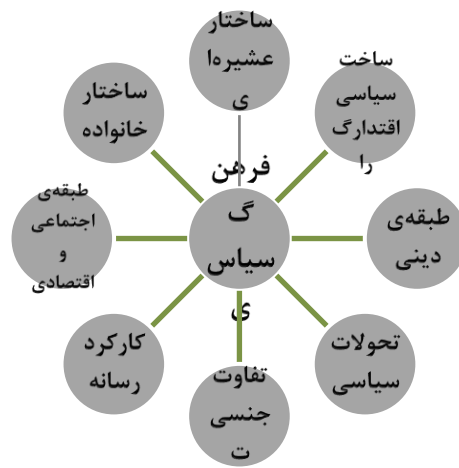
مدل مفهومی ۴: مطالعه رفتاری انتخاباتی شهروند ایران



سیاست و حکومت نقطه پیوند فرهنگ سیاسی و حکمرانی خوب است. حکمرانی خوب در درون یک نظام سیاسی معنا می‌یابد. هرچند که در تحقق آن علاوه بر دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی نیز مشارکت دارند. به عبارت دیگر حکمرانی خوب در ارتباط با دولت و نظام سیاسی موضوعیت پیدا می‌کند. از سوی دیگر فرهنگ سیاسی نیز پیوستگی دائمی با نظام سیاسی داشته و عنصری مهم و اثرگذار در آن محسوب می‌شود. آن چنانکه فرهنگ سیاسی عامل مهمی در تعیین ماهیت توزیع قدرت سیاسی انگاشته شده که نگرش‌ها و ارزش‌های جامعه در مورد سیاست را مشخص می‌کند. از این رو باید بر این نکته تأکید نمود که فرهنگ سیاسی بستر تحقق حکمرانی خوب در هر جامعه‌ای و تحقق توسعه جوامع محسوب می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۷۸-۸۰).

در جامعه‌ای دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی، مشارکت افراد گسترده‌تر است و در جامعه‌ای که فاقد چنین فرهنگی است، مردم با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی برخورداردی انفعالی دارند. ممکن است در فرهنگ‌هایی که عامل اقتصادی قوی وجود دارد، مردم برای گسترش و دوام فعالیت‌های اقتصادی راه‌های سیاسی را طی می‌کنند. و یا در فرهنگ‌هایی که احساس نیاز به عوامل معنوی در سیاست شرکت می‌کنند. تاثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت در ایران متأثر از مواردی از قبیل: نمادها، ارزش‌ها، ساختار مسلط، تحولات تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی، ارتباط خانواده‌ها، اعتقادات و... می‌باشد.

مدل مفهومی ۵: فرهنگ سیاسی تاثیرگذار در رویکرد شهروندان ایران



### ۳-۵. عوامل اجتماعی و اقتصادی

عامل اجتماعی و اقتصادی بر میزان مشارکت سیاسی افراد اثرگذار است و نوع جامعه پذیری دینی آنها موجب می‌شود که به گروه خاصی تمایل داشته باشند. در واقع اعتماد سیاسی، اعتقادات، آگاهی سیاسی، سواد رسانه، سیاسی بودن خانواده و دوستان و... رابطه عمیقی با مشارکت سیاسی مردم دارد. تلاش جمهوری اسلامی این است که مشارکت سیاسی مردم را هرچه بیشتر افزایش دهد، اما در سال‌های اخیر با توجه بر اتفاقات متعدد اقتصادی، معیشتی و اجتماعی رو برو شده است. تحولات و وضعیت اقتصادی و اجتماعی باعث می‌شود نظر مردم برای مشارکت سیاسی جلب شود و یا نشود. اقتصاد و سیاست جمهوری اسلامی ایران در اکثر مواقع پیوند ناگسستنی داشته‌اند. ایران اسلامی در تاریخ خود دو بار شرایط سخت سیاسی و اقتصادی را در کنار هم داشته است. ابتدا در زمان هشت سال جنگی که بر ایران تحمیل شد، شاهد چندین سال اقتصاد نابسامان بوده‌ایم که با اعتماد مردم به سیاست موجود در کشور از این بحران سر بلند شدیم. در سال‌های گذشته نیز اتهامات بی‌اساس بر صنعت صلح آمیز هسته‌ای و اعمال تحریم‌های ظالمانه شرایطی را ایجاد کرد که اقتصاد ایران به کندی پیش رفت. بنابراین شرایط اقتصاد کنونی می‌تواند فرصت خوبی برای آنهایی که برنامه اقتصادی در جهت توسعه، رفع بیکاری و فقر با حفظ منافع ملی دارند، خواهد بود. چراکه با تامین وسیله‌ی اولیه معاش، فرصت بیشتری برای پرورش استعدادها برای مشارکت سیاسی و اجتماعی فراهم می‌گردد و این به مشارکت مردم در انتخابات و انتخاب فردی شایسته بستگی دارد.

### ۴-۵. رسانه و ارتباطات جمعی

تحول در عرصه ارتباطات و اطلاع رسانی موجب رشد بسیار سریع فناوری‌های جدید ارتباطی در جهان شده‌اند که از مهمترین نمونه آن رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اینترنتی هستند که در حال ایجاد تغییرات وسیعی در ماهیت و ساختارهای قدرت در جوامع مختلف است. در واقع از رسانه‌ها به عنوان رکن اصلی دموکراسی یاد می‌شود که با مردم و حکومت در ارتباط است و در این بین نقش اساسی در میزان مشارکت، همبستگی یا انفعال سیاسی مردم ایفا می‌کند. چراکه این رسانه‌ها به محفلی برای تبادل دیدگاه‌ها، تاثیرگذاری تفکرات مختلف در زمینه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی بویژه در زمینه انتخابات، تغییر سلاقی، ایجاد عادت‌هایی در جهت اهداف مورد نظر، توسعه و رواج تفکر و رسانه‌های

غربی، تضعیف مشروعیت سنتی حکومت و ارزش‌های سنتی و... شده است. (Chen & Zhong, 1999:115)

شبکه‌های اجتماعی مجازی از یکسو با افزایش اطلاعات و آگاهی سیاسی و اجتماعی، افراد و گروه‌ها را در مسائل سیاسی و مدنی درگیر می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند مانع از مشارکت سیاسی مردم شود. رسانه ملی باید تحولات بزرگ در مقیاس جهانی و بویژه در عرصه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی را با دید باز رصد نماید و با اخذ رویکردی آینده پژوهانه، اتفاقات و رویدادهای آینده را در کوتاه مدت پیش‌بینی کند، پیش از آنکه تکنولوژی جدید مظاهر سنت‌ها، فرهنگ، هویت ملی و سیاسی و ارزش‌ها را از بین ببرد، و از آن برای تقویت فرهنگ خودی، وحدت ملی و افزایش مشارکت سیاسی بکوشد. در همین راستا رسانه ملی باید با پخش تاثیر شگردهای فضای مجازی بر مسائل داخلی، مشارکت آفرینی برای جامعه و پاسخگو کردن مسئولان و تبدیل رسانه ملی به مرجعیت رسانه‌ای از نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی جلوگیری کند.

#### ۵-۵. آگاهی و سواد سیاسی

سواد در لغت به معنی جوهر مرکب است و در معنای سنتی سواد همان توانایی خواندن و نوشتن و به کار بردن زبان برای خواندن، نوشتن، گوش دادن بوده که با مکتوبات و کتابت نیز سروکار دارد. باتوجه به مداخلات یونسکو(سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل) به علت تغییرات نسلی معنی سواد تغییر پیدا کرد. بعد از این باسواد به افرادی گفتند که توانایی استفاده از رایانه‌ها یا زبان بین‌المللی را داشته باشند. سپس سواد را در هفت قالب تعریف کردند: سواد خواندن و نوشتن، سواد عاطفی، سواد رایانه‌ای، سواد رسانه، سواد تربیتی و سواد مالی. بنابراین سواد در واقع توانایی درک و ارتباط دو طرفه با محیط برای دریافت و تکمیل اطلاعات است(رشیدپور، ۱۳۸۴: ۳۵). سواد سیاسی یعنی توانایی درک و تبادل اطلاعات ضروری برای شهروند جهت دخالت، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های دولتی، فهم اینکه دولت و زمامداران مشغول به چه کاری هستند، تصمیمات دولتمردان در جامعه چه تاثیری می‌گذارد و نتایج این تصمیم‌گیری‌ها به چه نحو در زندگی فردی و اجتماعی افراد آن جامعه، موثر است(کازنو، ۱۳۶۵: ۵۸).

آگاهی سیاسی مردم رابطه مستقیم با مشارکت سیاسی دارد. در جامعه‌ای که سواد سیاسی وجود داشته باشد افراد چالشگر پرورش می‌یابند، حقشان را مطالبه می‌کنند، یک جامعه پویا که اجازه فساد و رواج دروغ بواسطه رسانه‌های بیگانه را نمی‌دهد و با آگاهی از سیاست‌ها، می‌دانند چه مطالباتی را از مجریان قانون دارند. با کاهش میزان آگاهی سیاسی فرد، میزان مشارکت سیاسی آنها نیز کاهش می‌یابد. تاثیر دانشگاه، دوستان، احزاب سیاسی و رسانه‌های جمعی، خانواده و مدرسه بر میزان آگاهی سیاسی تاثیر شدیدی می‌گذارد. تبلیغ در رسانه‌های مجازی و اینترنتی به معنای پخش یا تحریک یا به حرکت واداشتن اندیشه‌های خاص می‌باشد. افراد یک جامعه با آگاهی سیاسی می‌توانند پیش از هر واکنشی و در

مقابل هر تبلیغ و خبری آن را مورد ارزیابی، آزمایش و تجزیه و در نهایت مورد پذیرش و پیگیری قرار دهند.

### مدل مفهومی ۶: تاثیر آگاهی سیاسی بر مشارکت سیاسی



#### ۵-۶. مشارکت روانشناختی

باورها، افکار، نگرش‌ها و ایستارها که شخصیت افراد را می‌سازند باعث کاهش یا افزایش میزان مشارکت سیاسی می‌شود. در واقع ویژگی‌های مختلف روانی افراد عامل مهم و تعیین کننده مشارکت افراد در فعالیت و واکنش آنها موثر است. این ویژگی‌های شخصیتی و روانی برخی افراد را مستعد و علاقمند به مشارکت سیاسی می‌کند و برخی دیگر را منفعل و منصرف می‌سازد. اثربخشی سیای حالتی است که بر اثر آن شخص احساس می‌کند با مشارکت سیاسی بر فرایندهای موجود در جامعه اثر گذاشته است. از میان متغیرهای مختلف، متغیرهایی مانند: بیگانگی سیاسی، خانواده سیاسی، رضایت از عملکرد دولت، ثبات در گرایش حزبی، دوستان سیاسی، اعتماد سیاسی، انعطاف مذهبی، زبان مادری، سطح تحصیلات، وضعیت تاهل، جنسیت، رضایت از زندگی، آزادی سیاسی، وضعیت شغلی، محل تولد، محتوای شعار مسئولین، اهمیت نظارت اجتماعی، رسانه‌ها، آگاهی سیاسی، احساس بی‌قدرتی سیاسی و... رابطه و همبستگی بسیاری با مشارکت سیاسی در مردم ایران دارند.

#### ۶- راهکار افزایش مشارکت سیاسی

متغیرهای مستقلی که موجب مشارکت اجتماعی-سیاسی خواهند شد شامل:

- توجه به وضعیت سواد و تحصیلات افراد جامعه
- فقرزدایی، عدالت اقتصادی و نفی سرمایه داری انحصاری
- رهبران حامی مشارکت، پرهیز از شخصیت‌گرایی توده‌های مردم و گروه‌های نفوذ
- ایجاد طبقه اجتماعی-سیاسی فعال، ساختار سیاسی، طبقاتی و جمعیت مناسب
- آگاهی‌های عمومی و تعلقات اجتماعی و اسلامی

- تلقین و تاثیر آداب و سنن، گسترش مباحث فقهی مشرکت، هویت سازی
- تکالیف اجتماعی اسلام، امر به معروف و نهی از منکر
- ایجاد فضای مشورت و تقویت آموزه‌های خاص تشیع مانند: ولایت و انتظار فرج و...
- گسترش عرضه مطالب و اطلاعات برای آشنایی مردم با مبانی قانون اساسی
- بهره‌گیری رسانه‌ها و مطبوعات ملی از چهره‌های جدید برای القای افکار جدید و پرهیز از هیجان‌های تند
- پرهیز رسانه‌ها از پخش اخبار و مطالبی که مسئولین در آن، وعده‌های نامقدور می‌دهند
- ایجاد بستری برای حضور در تشکل‌های فعال سیاسی و نقد و ارزیابی عملکرد نهادها، مسئولان و ساختار حکومتی
- افزایش اعتماد سیاسی به نهادهای سیاسی

### نتیجه‌گیری

کنش همگانی، عملی است که فضای جامعه را به سوی نوعی همکاری و پذیرندگی صرف می‌کشاند. در نقطه مقابل، اصطلاح اکثریت خاموش اشاره به مردمی دارد که نسبت به مسائل جامعه خود بی‌تفاوت و بی‌اعتنا هستند. در واقع مردم سالاری موجب اعمال اراده مردم در تمامی جنبه‌های جامعه خواهد شد که شهروندان را ملزم می‌داند تا آگاهانه بر تصمیمات و اعمال دولت نظارت و اثرگذار باشد، و با سهم شدن در سرنوشت خود به مثابه یک ارزش و باور اجتماعی-سیاسی تبدیل شوند. بر همین اساس مشارکت شهروندان یکی از پیش نیازهای توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی است. اما انفعال سیاسی به عنوان عدم درگیری فعال و عدم مشارکت در فعالیت‌های سیاسی، اگرچه پدیده جدیدی نیست اما در عصر جدید به عنوان یکی از عوارض شهرنشینی بطور چشمگیری افزایش یافته است. از این رو لازم است تا با روش‌ها و تکنیک‌هایی خاص به کاهش انفعال سیاسی پرداخت و لازمه آن اولویت‌بندی علل انفعال سیاسی و سپس تمرکز بر آن دسته از علت‌هایی است که در اولویت قرار گرفته‌اند و اکثریت بر آن اتفاق نظر دارند. در این زمینه مجموعه عوامل مختلفی تاثیرگذار هستند که در یک دسته‌بندی آنها را به دلایل روانشناختی، اجتماعی، اقتصادی و نیز سیاسی تقسیم‌بندی نمودیم. از جمله دلایل روانشناختی مواردی از قبیل احساس عزت نفس کم، عدم اعتماد به دیگران، عدم مسوولیت‌پذیری و عدم احساس کارایی و اثرگذاری؛ و از دلایل اجتماعی و اقتصادی می‌توان به اموری نظیر ظرفیت‌های پایین اجتماعی و اقتصادی، پایگاه پایین اجتماعی و اقتصادی، میزان درآمد کم، شغل نامناسب و سطح آموزش پایین در جامعه اشاره کرد. و در نهایت دلایل سیاسی نیز می‌توان به مواردی از قبیل عدم وجود آزادی بیان، احزاب، ساختار نامناسب سیاسی، قانونی کشور و... اشاره کرد.

باتوجه به نتایج مطالعات انجام شده به نظر می‌رسد در زمینه بهبود مشارکت سیاسی و جلوگیری از انفعال سیاسی در جامعه، عواملی نظیر اعتماد اجتماعی، اعتماد بین مردم و حکام، اعتماد بین مردم و نهادهای اجتماعی و اجرای کارهای فرهنگی اهمیت دارند. افراد جامعه باید تلاش کنند تا فرزندان خود را از کودکی مسئولیت‌پذیر تربیت کنند. به جای تقویت فردگرایی، باید توجه به سمت منافع جمعی در سبک زندگی و الگوهای تربیتی جایگزین شود. اگر مسئولیت‌پذیری در جامعه تقویت شود، مشارکت و همدلی به تبع آن بیشتر می‌شود. برای رفع بی‌تفاوتی اجتماعی در جامعه می‌توان به الگوسازی رفتارهای همدلانه در جامعه و از رسانه برای ترویج همدردی اجتماعی بهره گرفت. و از طرفی می‌بایست سازمان‌ها و متولیان امر آموزش و پرورش تلاش مضاعفی برای بالا بردن سطح سواد رسانه‌ای و سواد سیاسی دانش آموزان و دانشجویان مبذول دارند. زیرا لازمه هر تغییری در جامعه پرورش کودکان و نوجوانان به عنوان قشر آینده‌ساز کشور مفید است. لذا لازم است مسئولین و متولیان علاوه بر پیشبرد اهداف و منافع ملی در جهت توسعه، توجه به الگوهای تربیتی فرزندان، اجرای کارهای فرهنگی و تبلیغات رسانه‌ای، تقویت روحیه مشارکت و همدلی را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند.

### منابع

- امینی، علی‌اکبر و خسروی، محمدعلی (۱۳۸۹)، «تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان»، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۲(۷)، ۱۲۷-۱۴۲.
- پای، لوسین (۱۳۸۳). فرهنگ سیاسی، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- پیشگاهی فرد، زهرا و زهدی گهرپور، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی»، فصلنامه زن و جامعه، ۱(۱): ۱۲۰-۱۴۳.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۸)، تحلیلی بر میزان مشارکت زنان در تشکل‌های سیاسی کشور در سال ۱۳۸۵، پژوهش زنان، ۷(۱)، ۷-۳۶.
- جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اقتصادی موثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۷(۲)، ۸۷-۱۲۲.
- جهانگیری، جهانگیر و محمدی، نسرین (۱۳۹۷)، «تبیین جامعه شناختی رابطه امید سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز)»، فصلنامه مطالعات تحقیقات اجتماعی، ۱(۷): ۱۵۰-۱۳۷.
- دال، رابرت (۱۳۶۹)، تجزیه و تحلیل جد یا سیاست، ترجمه حسین ظفریان: نشر مترجم.
- پالیزان، محسن (۱۳۹۰)، «بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل موثر بر آن»، فصلنامه سیاست، ۴۱(۲)، ۴۹-۲۳.
- رجبی، آریتا (۱۳۹۰)، «شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرآیندهای توسعه‌ی شهری»، فصلنامه جغرافیا آمایش محیط، ۱۲(۲۵)، ۱۱۶-۱۰۱.

- رشیدپور، ابراهیم (۱۳۸۴)، **ارتباط جمعی و رشد ملی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفعت‌جاه، مریم و رحیمی، فاطمه (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی عوامل انفعال سیاسی زنان در مقایسه با مردان»، **فصلنامه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، ۶(۴): ۷۳-۹۲.
- شاکری، سیدرضا و زینالی، صادق و بیگی، علیرضا (۱۳۸۹)، «مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی آیت الله شیخ عیسی قاسم»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، ۷(۴): ۳۳-۵۷.
- صبوری، منوچهر (۱۳۷۴)، **جامعه‌شناسی سازمان‌ها**، تهران: نشر شب تاب.
- صیاد، محمدرضا و خسروی، محمدعلی و شیرخانی، علی و خسروی باب اناری، ملک‌تاج (۱۳۹۷)، «تأثیر فرهنگ دولت‌گرا بر کارآمدی نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، ۸(۳): ۲۷-۴۷.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، «زنان و نهادهای مدنی، مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران»، **فصلنامه جامعه‌شناسی ایران**، ۵(۲): ۶۶-۹۹.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹)، **سیاست‌های مقایسه‌ای**، تهران: نشر سمت.
- کازنو، ژان (۱۳۶۵)، **جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی**، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- کشتکار، مهران و حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۴)، «الگوی مفهومی مشارکت سازمان یافته مردمی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام»، **فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج**، ۶۹(۱۷): ۳۹-۶۷.
- گلایی، فاطمه و حاجیلو، فتانه (۱۳۹۱)، «بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی استان اذربایجان شرقی)»، **فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دوره ۱، (۱): ۱۷۳-۲۰۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، **سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لازارسفلد، پل و برلسون، برنالد و گودت، هیزل (۱۳۸۲)، **انتخاب مردم: چگونه مردم در انتخابات ریاست جمهوری تصمیم می‌گیرند**، مترجم محمدرضا رستمی، تهران: نشر تبلور.
- محسنی تبریزی، علیرضا و صداقتی‌فرد، مجتبی (۱۳۹۰)، «بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران»، **فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی**، ۴۳(۱۱): ۱-۲۲.
- محمدی، جمال و باقری، کیوان و حیدری، سامان (۱۳۹۲)، «سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل موثر بر آن»، **فصلنامه تحلیل اجتماعی**، ۴(۸): ۶۹-۸۳.
- مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۰)، «تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی-سیاسی»، **فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، ۱۵(۱۱): ۱۵۲-۱۶۵.
- مظلوم خراسانی، محمد و نوغانی، محسن و خلیفه، محمدرضا (۱۳۹۱)، «بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل موثر بر آن در سال ۱۳۸۷»، **فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی**، ۲۳(۴۵): ۸۰-۵۱.

نژاد بهرام، زهرا(۱۳۸۸)، موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: نشر رسانش.

نش، کیت(۱۳۹۴)، جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

نقیب‌زاده، احمد(۱۳۸۵)، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.

هاشمی، سیدمحمد(۱۳۷۵)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، قم: مجتمع آموزش عالی قم.

هاشمی، ضیا و فولادیان، مجی و فاطمی امین، زینب(۱۳۸۹)، «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۵(۱)، ۱۹۹-۲۲۶.

Afshar, Haleh (2000). 'Women and Politics in Iran', The *Research*, Vol. 12, European Journal of Development. No. 1.

Almond, G. & Verba, S. (1975) "Civic Culture", (Princeton University Press), p. 217.

Andrain, C. and Apter, D. (1995). "Political protest and social change: analysing politics". New York: New York University Press.

Boudon, Raymond (2003), "Beyond Rational choice theory", *annu Social*, No.1: 1-21.

Bratton, M. & Alderfer P. (1999), with bowser, G. and Temba, J. (1999), "The effects of civic education on political culture; evidence from Zambia", *world development*, Vol. 27.

Chen, J. and Zhong, Y (1999), "Mass Political Interest (Or Apathy) In Urban Chin", *a Communist And Post Communist Studies*, No.3: 281-303.

Lester W. Milbrath(1979), *Political Participation*, (Rand Mc: Nally college Publishing Company).

Lipset, S.m,(1959), *political Man, the social basis of politics*, New York: Doubleday.